

## تعامل امام علی علیه السلام با خلفا برای حفظ اسلام و وحدت اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی\*

### اشاره

یکی از مهمترین شعارهای قرآنی، آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۱</sup> است. خداوند در این آیه می‌فرماید به ریسمان الهی جنگ بزنید و گروه‌گروه نشوید. این آیه به‌خوبی با مشخص کردن تکلیف همه مسلمانان، ریسمان الهی را محور وحدت معرفی می‌کند. بی‌شک ریسمان الهی همان اصول اصلی دین اسلام است که از آن طریق می‌توان به خدا رسید. پس از رحلت رسول خدا ﷺ، حفظ اسلام برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام و پس از ایشان برای دیگر ائمه علیهم السلام در اولویت قرار داشت؛ بر همین اساس از هر مسئله‌ای که سبب تضعیف اسلام یا از بین رفتن آن می‌شد، دوری می‌کردند؛ گرچه حق خودشان ضایع می‌گردید. در این نوشتار به بررسی تعامل امام علی علیه السلام با خلفا برای هدف حفظ اسلام و مسلمانان می‌پردازیم.

### آغاز امامت حضرت علی علیه السلام

مسلمانان پس از رحلت پیامبر ﷺ به دو شاخه تقسیم شدند: الف) شاخه اکثریت که ابوبکر را خلیفه اول انتخاب کردند؛ ب) شاخه اقلیتی که بنا بر نص صریح قرآن در آیات «تبلیغ» و «جریان غدیر» و تأکیدهای فراوان پیش از آن از سوی رسول خدا ﷺ، حضرت علی علیه السلام را رهبر واقعی اسلام می‌شناختند.

حضرت علی علیه السلام با توجه به شرایط آن روزگار، باید یکی از این دو مسیر را انتخاب می‌کرد: جنگ یا مدارا. امام علیه السلام مسیر دوم را برای حفظ اسلام انتخاب کرد. مثالی که در ادامه بیان می‌شود، کمک‌کننده به درک صحیح این مفهوم است.

\* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

### دوزن و ادعای مادری بر یک کودک

معروف و مشهور است دوزن که خود را مادر یک کودک می خواندند، برای قضاوت نزد حضرت علی علیه السلام رفتند. امیرالمؤمنین علیه السلام از ه ای مطالبه کردند؛ آن دوزن گفتند: یا امیرالمؤمنین، می خواهی با این از ه چه کنی؟ امام علیه السلام فرمود: می خواهم فرزند را دو نصف کنم و برای هر کدامتان یک نصف بدهم. از شنیدن این سخن، یکی از آن دوساکت ماند؛ ولی دیگر فریاد برآورد: خدا را خدا را، یا اباالحسن!، اگر حکم کودک این است که باید دونیم شود، من از حق خودم صرف نظر کردم و راضی نمی شوم عزیزم کشته شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الله اکبر، این کودک پسر توست و اگر پسر آن دیگری می بود، او نیز به حالش رحم می کرد و بدین عمل راضی نمی شد». آن زن هم با اقرار به حق، به کذب خود اعتراف کرد و به واسطه قضاوت آن حضرت، خلیفه از مخمصه قضاوت در میان آن دوزن نجات یافت.<sup>۱</sup>

این مثال گویای آن است که عقل در دوران بین مهم و مهم تر، حکم می کند که جانب مهم تر را بگیریم. حوادث بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار مهم است، اما مهم تر از آن بقای اسلام است؛ زیرا پنج گروه قصد از بین بردن اصل اسلام را داشتند که در صورت درگیری بین حضرت علی علیه السلام با جریان خلافت، یکی از این شمشیرها کافی بود تا اسلام را برای همیشه از بین ببرد. آن شمشیرها عبارت بودند از:

#### یک: منافقان داخل مدینه

پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بنا بود عبدالله بن ابی به پادشاهی مدینه انتخاب شود؛ اما با هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، این آروزی وی و دوستانش از بین رفت.<sup>۲</sup> از این گروه در قرآن همواره با عنوان «منافقان» یاد می شود و یک سوره به آنها اختصاص داده شده و در برخی سوره های دیگر نیز از آنان سخن رفته است.<sup>۳</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف منافقان می فرماید: «... آنها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ماندند و بر پیشوایان ضلالت و گمراهی و کسانی که مردم را به آتش فرامی خوانند، نزدیک شدند».<sup>۴</sup> بر همین اساس ایشان بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مردم را به پرهیز از آنان فراخواند.<sup>۵</sup> منافقان هم در

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۸۴-۵۸۵.

۳. توبه: ۱۰.

۴. محمد بن حسین سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۳۲۶.

۵. عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۱.

کمین بودند تا در صورت بروز اختلاف بین مسلمانان، اسلام را از بین ببرند تا به آروزی دیرینه خود برسند.

## دو: گروه طَلَقَا<sup>۱</sup>

ابوسفیان و دارودسته وی، در سیزده سالی که پیامبر (ﷺ) و مسلمانان در مکه حضور داشتند، به آزار و شکنجه ایشان و مسلمانان پرداختند و حتی برخی از مسلمانان را به شهادت رساندند. پس از هجرت نیز تا سال هشتم با مسلمانان جنگیدند و جنگ‌هایی چون بدر، احد، خندق و بسیاری سریه بر مسلمانان تحمیل کردند؛ اما در سال‌های آخر عمر پیامبر (ﷺ) به ظاهر اسلام آوردند، در حالی که در صدد بودند تا در صورت اختلاف بین مسلمانان، دوباره پرچم شرک را بالا ببرند.

ابوسفیان پس از شنیدن خبر به خلافت رسیدن ابوبکر به مدینه آمد و به مخالفت با او پرداخت.<sup>۲</sup> وی با وجود سکوت حضرت علی (ع)، قصد تحریک ایشان را داشت تا در مقابل هیئت حاکم دست به اقدام عملی بزند و حتی پیشنهاد کرد از حضرت در این جریان حمایت می‌کند<sup>۳</sup> و وعده داد لشکری برای حمایتش فراهم خواهد کرد.<sup>۴</sup> اما حضرت علی (ع) که از قصد وی اطلاع داشت، دست رد به سینه‌اش زد و ضمن رد پیشنهاد شیطنت‌آمیز این دشمن اسلام، او را فتنه‌انگیز خواند.<sup>۵</sup>

## سه: پیامبران دروغین

پیامبرانی دروغین از جمله سجاح، مسیلمه کذاب و اسود عنسی در اواخر عمر رسول خدا (ﷺ) ظهور کردند؛ اسود در یمن اعلام پیامبری کرد و سپس نماینده پیامبر (ﷺ) به نام باذان ایرانی در یمن را به شهادت رسانید و به سوی مدینه پیشروی کرد.<sup>۶</sup>

۱. طَلَقَا به کسانی همانند ابوسفیان، معاویه و عموما اهل مکه گفته می‌شود که پس از فتح این شهر، مسلمان شدند و سپس رسول اکرم (ﷺ) به آنها فرمود: «اذهبوا وانتم الطلقاء؛ بروید شما آزاد شدگانید». اینها عموما مستحق مجازات بودند؛ اما پیامبر آزادشان کرد و آنان را به بردگی نگرفت.

۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۷۴.

۳. احمد یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۲۶؛ محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۹۰.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۹.

۵. همان.

۶. همان، ص ۲۲۹-۲۳۶.

#### چهار: مرتدان

مرتدان کسانی بودند که پس از پیامبر ﷺ از اسلام برگشتند و حتی در اوایل خلافت ابوبکر، مدینه را محاصره کردند. عثمان نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت اگر شمشیر به دست نگیری و از مدینه حمایت نکنی، مدینه سقوط خواهد کرد.<sup>۱</sup> به جز این مورد گزارش دیگری نداریم که امیرالمؤمنین علیه السلام در ۲۵ سال حکومت خلفا در جنگی شرکت کرده باشد.

#### پنج: امپراطوری روم

مسلمانان در جنگ موته شکست خوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله به قصد مبارزه با آنان به تبوک رفتند. در روزهای آخر عمر مبارک حضرت نیز، سپاهی را تحت فرماندهی اسامه بن زید به مقابله با آنان اعزام نمودند.<sup>۲</sup> پس خطر امپراطوری روم قوی بود.

#### تصمیمی کارساز

حضرت علی علیه السلام در چنین شرایطی همان مادر واقعی مجبور به صبر بودند تا اصل اسلام بماند؛ زیرا حضرت بر سر دوراهی قرار داشت؛ یا به پامی خاست و با توسل به قدرت، خلافت را پس می گرفت؛ یا وضع پیش آمده را تحمل می کرد و در حد امکان به حل مشکلات مسلمانان و انجام وظایف خود اقدام می کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام به این نتیجه رسید که اگر با اصرار به حق خود پافشاری کند، زحمات بیست و سه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله به هدر خواهد رفت؛ از این رو ترجیح داد از حق خود بگذرد و از کیان اسلام حراست کند.<sup>۳</sup>

امام علیه السلام در نهج البلاغه اوضاع زمانه و علت سکوت خود را تبیین فرمودند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. امام علی علیه السلام در خطبه معروف «شقشقیه» می فرمایند: «دامن از خلافت در چیدم، و پهلوی از آن پیچیدم، و ژرف بیندیشیدم که چه باید، و از این دو کدام شاید؟ با دست تنها بستیزم یا صبر پیش گیرم و از ستیز بهره یزم؟ ... چون نیک سنجیدم، شکیبایی را خردمندانه تردیدم، و به صبر گراییدم».<sup>۴</sup>

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۷.

۲. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۴۲؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۸۴.

۳. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۵.

۴. محمد بن حسین سیدالرضی، نهج البلاغه، ص ۱۰.

۲. در جای دیگر در جواب شخصی از بستگان خود که در همان روزهای سقیفه از مردم برای رهاکردن او انتقاد می‌کرد، فرمودند: «سالم‌ماندن دین [از اختلافات و دودستگی‌ها] برای ما بهتر از هر چیز دیگر است».<sup>۱</sup>

### تعامل با هیئت حاکم

در سیره حضرت علی علیه السلام مواردی از همکاری یا مشاوره به خلفا دیده می‌شود. چرایی این همکاری و درک بهتر این مسئله را می‌توان با این مثال تبیین کرد: تصور کنید راننده ماهر که گواهینامه پایه یک دارد، کنار زده می‌شود و افرادی که هیچ مهارتی در رانندگی ندارند، کنترل یک اتوبوس را در دست گرفته‌اند. در این شرایط، آیا راننده واقعی می‌تواند به دلیل ظلمی که به او شده، در برابر جان مسافران و امنیت مسیر بی‌تفاوت باشد و صرفاً نظاره‌گر حوادث باشد؟ بدیهی است که او از روی احساس مسئولیت، در مواقع بحرانی به راننده غاصب کمک خواهد کرد تا از فاجعه‌ای بزرگ جلوگیری شود.

چنین وضعیتی درباره حضرت علی علیه السلام نیز صادق بود؛ از این‌رو ایشان برای حفظ اسلام و جلوگیری از انحراف یا فروپاشی جامعه نوپای اسلامی، در شرایط خاص به راهنمایی خلفا می‌پرداختند. بر همین اساس به‌کاربردن تعبیر «خانه‌نشینی» درباره حضرت علی علیه السلام چندان دقیق نیست، زیرا ایشان بارها وارد میدان شدند و با رهنمودهای خود، اسلام را از خطر حفظ کردند.

حضرت درباره علت این همکاری فرمودند: «تا آنکه دیدم گروهی در دین خود نماندند و از اسلام روی برگرداندند و مردم را به نابودکردن دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواندند. پس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا ویرانی‌ای که مصیبت آن بر من سخت‌تر است... پس در میان آن آشوب و غوغا برخاستم تا جمع باطل پراکنده، محو و نابود گردید و دین استوار شد».<sup>۲</sup>

نه تنها مشاوره‌های امام علی علیه السلام در سیره تاریخی ثبت شده است، بلکه خود خلفا نیز بارها به نقش حیاتی ایشان اذعان کرده‌اند که معروف‌ترین آنها جمله «لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ»<sup>۳</sup> است.

۱. عبد الحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۳-۴۵.

۲. محمد بن حسین سیدالرضی، نهج البلاغه، ص ۳۶۷-۳۴۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۲۴؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۰۶ و ج ۱۰، ص ۵۰؛ عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، تأویل مختلف الحدیث، ص ۱۵۲؛ موفق بن احمد خوارزمی، مناقب، ص ۸۱؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۱۰۳.

جملات مشابه به آن نیز در بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است.<sup>۱</sup>

### نداشتن افراط و تفریط در سیره علوی در زمینه وحدت

در شرایطی که دشمن واحد قصد براندازی اسلام را دارد و نابودی همه گروه‌ها را در دستور کار قرار داده است، عقل حکم به اتحاد می‌کند؛ اما متأسفانه برخی افراط می‌کنند و از اساس با وحدت مخالف‌اند؛ برخی دیگر نیز جانب تفریط را می‌گیرند و حتی اگر اجازه پیدا کنند درصدد یکسان‌سازی احکام شخصی مثل نماز و روزه هستند. اینان هرگونه نقل تاریخی مثل روضه حضرت زهرا علیها السلام یا پافشاری بر مسئله مهم اعتقادی مانند غدیر را منافی وحدت می‌دانند؛ زیرا معانی وحدت را درک نکرده‌اند و حد و مرز آن را نمی‌دانند.

با مطالعه سیره حضرت علی علیه السلام در زمینه وحدت امت اسلامی، می‌توان دو بال را تصور کرد که حد و مرز را مشخص می‌کند و با تمسک به آن وحدت‌ستیز و وحدت‌گرا دچار افراط و تفریط نخواهند شد.

رفتار حضرت علی علیه السلام با حوادث بعد از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله به خوبی این مهم را تبیین و هر دو طرف قضیه را به زیبایی ترسیم می‌کند. این دو بال عبارت‌اند از: پرهیز از افراط و پرهیز از تفریط.

### پرهیز از افراط

در سطور پیشین گفته شد که حضرت علی علیه السلام در مسئله سقیفه دست رد به سینه ابوسفیان زد. فرزند ابولهب نیز به تحریک حضرت پرداخت؛ اما امام علیه السلام فرمود: «سَلَامَةُ الدِّينِ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ غَيْرِهِ: سلامت دینی برای من دوست‌داشتنی‌تر از هر امر دیگری است».<sup>۲</sup> درواقع اگر اصل دین در خطر بود و امثال ابوسفیان‌ها درصدد ریشه‌کنی آن برآمدند، امام حتی خلافت را فدای آن می‌کرد و در فکر وحدت و یکپارچگی امت اسلامی می‌بود.

۱. ابن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۴۷؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۱؛ محمد بن جریر طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۴-۳۹۵؛ موفق بن احمد خوارزمی، مناقب، ص ۱۰۱؛ ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۴۴-۴۴۶؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۴۷۷؛ زین‌الدین محمد مناوی، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، ج ۴، ص ۳۵۶؛ قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۸، ص ۲۰۳.

۲. عبدالحمید ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۱-۲۲.

### پرهیز از تفریط

نباید مصلحت‌اندیشی را به معنای عقب‌نشینی از آموزه‌های شیعی دانست، بلکه حتی وقایع را باید با ملاحظه و بدون کم‌وکاست بیان کنیم و حقیقت‌جویان را به صفحات تاریخ ارجاع دهیم. متأسفانه برخی این مهم را در نظر نمی‌گیرند و به کتمان حقایق می‌پردازند؛ مثلاً آنان همانند فرزندی است که از پشت‌بام در حال افتادن است و مادرش بر وی نهیب می‌زند و او را از افتادن بیم می‌دهد و او چنان عقب می‌رود که از طرف دیگر به زمین می‌افتد.

حضرت علی علیه السلام حدود اتحاد را در عمل خود تبیین کردند؛ بنابراین عمل تفرقه‌انگیزانه ابوسفیان و فرزند ابولهب سبب نشد که حضرت علی علیه السلام به دفاع کامل از خلیفه بپردازد، بلکه با اینکه با پیشنهاد ابوسفیان و دارودسته‌اش مخالفت کردند، تا آنجا که شرایط اسلام و مسلمانان اقتضا می‌کرد، به افشای حقایق می‌پرداختند. مسعودی در تاریخ خود می‌گوید امام علیه السلام به مخالفت با ابوبکر پرداخت و فرمود: «أَفْسَدَتْ عَلَيْنَا أُمُورَنَا، وَلَمْ تَسْتَشِرْ، وَلَمْ تَرْعَ لَنَا حَقًّا: کار جانشینی را فاسد کردی با ما مشورت نمودی و حق ما را مراعات نکردی».<sup>۱</sup> بنا بر همین گزارش مسعودی، حضرت علی علیه السلام و دیگر بنی‌هاشم تا شش ماه از بیعت با ابوبکر خودداری کردند.

در جریان شورای خلیفه دوم نیز برخی افراد، حضرت را به خلافت حریص می‌دانستند؛ اما امام پاسخ داد: «آیا اگر من حق خود را بطلبم، حقی که خدا و رسول مرا به این مقام برگزیده‌اند، حریص به حساب می‌آیم؟»<sup>۲</sup> در این فقره نه تنها خلافت را حق خود می‌دانند، بلکه به آسمانی بودن مسئله امامت و ولایت نیز تأکید می‌کنند و سپس به شکوه از غاصبان خلافت می‌پردازند.

این گزارش‌ها مشخص‌کننده حدومرز وحدت است و به ما می‌آموزد با اینکه حقایق را مطرح می‌کنید، همیشه باید به ابوسفیان‌صفقان نیز توجه داشته باشید که اگر آنان بر امور مسلمانان مسلمانان شوند، به هیچ گروه و فرقه‌ای رحم نخواهند کرد و اصل اسلام را هدف قرار خواهند داد.

۱. علی بن الحسین بن علی مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲. «أَنَا أَحْرَصُ إِذَا طَلَبْتُ تَرَاثِي وَ حَقِّي الَّذِي جَعَلَنِي اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَوَّلِي بِهِ؟» (ابراهیم ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۰۸).

## جمع‌بندی

پایبندی به وحدت، ضرورتی عقلی است. عقل ایجاب می‌کند اگر گروهی از طرف دشمن خارجی تهدید شوند، گرچه درون خود اختلاف‌هایی دارند، باید در مقابل دشمن خارجی متحد شوند تا از حذف همه گروه جلوگیری شود. این مهم در قرآن، احادیث و نیز سیره اهل بیت علیهم‌السلام مورد تأکید است البته با رعایت حدود و ثغور آن.

موضع‌گیری آیت‌الله گلپایگانی به‌خوبی بیان‌کننده رفع این دوگانگی است. ایشان می‌فرمود: «در داخل باید نهایت سعی خود را برای تقویت هویت شیعی به کار بندیم و این ودیعه الهی را که نسل‌های گذشته با جان، عمر و خون خود به دست ما رسانده‌اند، صحیح و سالم به دست نسل‌های آینده بسپاریم. اما از نظر مسائل خارجی باید در مقابل کفار و منافقین و کسانی که با اصل اسلام مخالف هستند، با حفظ وحدت و اتفاق دفاع کنیم. ایشان در ملاقاتی به علمای سوریه فرمود: اختلافات ما در برابر اتفاقات ما چیزی نیستند. ما باید از این اتفاقات اتحاد بسازیم و همه با هم در مقابل دشمن اسلام بایستیم»<sup>۱</sup>.

منظور از وحدت، همسان‌سازی شیعه و اهل سنت نیست، بلکه تکیه بر اشتراکات و با این وجود، بیان عقاید و تاریخ بر اساس مباحثه علمی در محیطی آرام به دور از توهین و افتراست. این شیوه سبب رونق‌گرفتن پژوهش‌ها به دور از تعصب خواهد شد که در برخی موارد در رسیدن به اعتقاد یکسان نیز کمک خواهد کرد.

برخی درباره سیره حضرت علی علیه‌السلام در دوران خلفا، از واژه «خانه‌نشینی» استفاده می‌کنند و با استناد به همکاری‌های موردی، چنین می‌پندارند که حضرت همان‌گونه که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌مثابه بازوی اصلی رسالت عمل می‌کردند، در دوران خلفا نیز همان شیوه را در پیش گرفتند. نظر هر دو دیدگاه قابل تأمل و خدشه است؛ چراکه نه تعبیر «خانه‌نشینی» دقیق است و نه ادعای «همکاری حداکثری»، بلکه حضرت علی علیه‌السلام همکاری با حدود مشخص و در راستای حفظ و پیشبرد اهداف اسلام با خلفا داشتند.

## کتاب‌نامه

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج‌البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۱، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۱. <https://vareth.ir/news/75088>.



تعامل امام علی علیه السلام با خلفا برای حفظ اسلام و وحدت اسلامی ■ ۲۷

۲. ابن حنبل، ابوعبدالله، فضایل الصحابه، محقق: وصی الله بن محمد عباس، مکه: جامعة ام القرى، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابي طالب علیهم السلام، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، چ ۱، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف الحديث، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية، تحقیق: مصطفى السقا و ابراهيم الأبياري و عبدالحفيظ شلبي، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۷. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبین، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زکرلی، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۹. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، چ ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. ثقفی کوفی، ابراهیم، الغارات، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۱۱. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، تحقیق: محمدباقر محمودی، [بی جا]: مؤسسه محمودی، [بی تا].
۱۲. خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب، قم: مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].
۱۳. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، چ ۱، قم: هجرت؛ قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، چ ۱۴، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، چ ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح: موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، چ ۱، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.

۱۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ج ۱، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، ج ۲، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام و کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. مناوی، زین الدین محمد، فیض القدير شرح جامع الصغير، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ ق.
۲۴. یعقوبی، احمد، تاریخ، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، ج ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.